

اصول گرایي اسلامي: يک جنون بزرگ براي 25 سال

مقدمه

1- از زمان ظهور آنچه که اصول گرایي اسلامي نامیده می شود و طرح و اجرای آن از سوی ترکیبی از تلاش های سازمان های جاسوسی برخی از کشورها انجام یافته، به ویژه اداره MI5 بریتانیا و برخی از عوامل سرخ درون CIA آمریکا، که به دلیل روابط شان با همکاران انگلیسی شان به برآمدن اصولگرایي اسلامي کمک کرده و راههای آن را هموار کردند، و اینها در حقیقت کسی نیستند جز مشتکی جنایتکار، سارق و قلدن مآب که هرچه باشند، بایستی آنها را حزب شیطان حقیقی نامید، البته در مقایسه با آنچه که آنها علاقه دارند بر خودشان اطلاق نمایند یعنی به صورتی که هرکس می داند به نام حزب الله یا حزب خدا، که در واقع بر اساس عملکردهایشان شایسته است که آنها به طور یقین در اردوگاه شیطان باشند.

پس هرکسی که به خدا و به شیطان اعتقاد دارد، و سپس اگر و فقط اگر این هوادارن شیطان خود را به گونه ای به صورت مجموعه ای سازمان یافته از جنایتکاران، دزدان و دروغگویان در آورده باشند، آیا باید آنها خود را حزب شطان بنامند یا حزب الله (حزب خدا)؟

2- پرسش طبیعی برای کسانی که با اوضاع سیاسی و اقتصادی 30 تا 35 سال گذشته آشنا نیستند اینست که چرا بریتانیا و ایالات متحده آمریکا، دو کشور پیشگام غربی، خواستند که از طریق سازمان های جاسوسی خود طرحی را به منظور خلق کردن و حمایت از حرکتی که "اصول گرایي اسلامي" نامیده می شود، در اندازند که در رویابرویی با وقایع و با توجه به وضعیت ویژه ی وقایع جهان حاضر، ثابت کرده و نشان داده اند که هویت واقعی آنها را می توان زیر عنوان آسیب زننده ی راه زندگی، تهدید کننده و تخریب کننده ی زندگی ما تشریح کرد و می تواند به واقع موجب تخریب تمدن ها شود. تنها توضیح منطقی این است که حرص و طمع و ماهیت سارق مسلکانه حکومت انگلستان، که هیچ مرز و حد فاصل و حقوقی را برای سایر کشورها تشخیص نمی دهد، و کسانی که علاقمند به دزدی، ترور، فریب، دروغ و نیرنگ بازی هستند و هر شخصیت دیگری که می تواند با هواداران شیطان همبستگی نماید، از یک سو، و طمع شرکت های بین المللی نفتی، همراه با کمک و همدستی مزدوران عملیات جاسوسی MI6 و MI5، و نفرات و دوستان آنها در CIA از سوی دیگر ترتیبی دادند تا این نمایشنامه و نمایش بازی های آن را خلق و به گونه ای که تا امروز شاهدش بوده ایم، رهبری کنند.

پیش زمینه

3- در اواخر دهه 1960 میلادی اقتصاد بریتانیا در حال فروپاشی و تا حدودی هم اقتصاد آمریکا به صورت نسبی ضعیف بود، تا جایی که حکومت بریتانیا مجبور شده بود که برای درخواست وام ها و منابع مالی کلان از دواير بانکی جهانی درخواست دهد که نیز با کمترین موفقیت و یا بدون آن توام بود. در همین دوران، حکومت کارگری در انگلستان در راس قدرت بود و ناآرامی هایی در اتحادیه های گوناگون کارگری جریان داشت و حکومت انگلستان نیز پیوسته در معرض تنش های بزرگ قرار داشت.

4-- در همین دوران خاص بود که گروهی از کارکنان کشوری **White Hall** که از نجبای انگلیسی بودند، تصمیم گرفتند که سرخ را به دست گرفته تا از هرابزاری که برای اصلاح اقتصاد و ناآرامی های سیاسی لازم میدانند، استفاده نمایند، که این بدون محدودیت شامل دستکاری در انتخابات انگلستان، حقه های کثیف / یا ترور یا ناپدید شدن افراد کلیدی اتحادیه های کارگری و در نتیجه پیروزی حزب محافظه کار در انتخابات بود.

5- شایان توجه است آنچه که صنعت دفاعی انگلستان خوانده می شود یکی از بزرگترین صادرکنندگان تسلیحات تقریباً به هر مقصدی است که علاقمند به ارایه سفارش خرید باشد، و در اوایل دهه 70 در میان بسیاری از قراردادهای موجود قراردادی برای تولید محدود و مونتاژ نهایی تانک های چیفتین در شهری در غرب ایران وجود داشت. این قرارداد همانند بسیاری از دیگر قراردادهای به وسیله شاه ایران که دوست حقیقی ایالات متحده بود، امضاء شده بود. در همان زمان یک موافقت نامه مالی وجود داشت که براساس آن شهر لندن گیرنده ی یک وام یک میلیارد دلاری برای تعمیر سیستم فاضلاب قدیمی و سیستم توزیع آب آن از ایران به شمار می آمد، و نخستین قسط آن به مبلغ 300 میلیون دلار پرداخت شده بود. زمانی در حد فاصل سال های 1976-1977 شکایتی علیه شرکت انگلیسی دست در کار پروژه تانک های چیفتین وجود داشت مبنی بر این که آنها کار خود را بر اساس قرارداد فیما بین به صورت رضایت مندانه انجام نمی دهند و سرانجام این مطلب مورد توجه سران و یکسره تا شخص شاه قرار گرفت، که می خواست بداند چرا شرکت انگلیسی عملیات خود را بر اساس دستورات قرارداد فیما بین و برنامه تنشیمی آن انجام نمی دهد. به عنوان یک رویه عمومی، شرکت انگلیسی به صورتی قانع کننده به این موضوع توجهی نکرد و در نتیجه باعث شد که شاه پرداخت دومین قسط 300 میلیون دلاری از وام یک میلیارد دلاری شهر لندن را متوقف سازد.

شیطان دست به کار می شود

6- در نتیجه، جیمز کالاهان، نخست وزیر وقت انگلستان با درخواست ملاقات با شاه ایران به تهران پرواز کرد تا دریابد که چرا 300 میلیون دلار پرداخت نشده است. هنگامی که او به تهران رسید، پیش از آنکه با شاه ملاقات نماید، به مدت تقریباً 2 ساعت در انتظار نگه داشته شد و طرفین مسایل را مورد بحث قرار دادند، اما جیمز کالاهان این ملاقات را با توجه به این نکته ترک کرد که آنها (یعنی حکومت انگلستان، و به ویژه کارکنان کشوری حکومت انگلستان که در **White Hall** کار می کنند) از هر طریق ممکن مجبور به سرنگونی شاه هستند. البته، پس از آن تمام حقه های کثیف، دروغ ها، نیرنگ ها، سیاهکاری ها، ترورها و هر گونه وسیله ای که جزء ابزارهای استاندارد سرویس های جاسوسی است، می توانست به کار گرفته شود تا آنها به هدف تعیین شده برسند.

7 - تقریبا در همان دوران, در آن سوی اقیانوس اطلس, بدترین رییس جمهور تاریخ آمریکا, انسانی بی مغز, جیمی دندان, جیمی کارتر انتخاب شده بود. برخی از دوستان جورجیایی او, که از این انتخاب به هیجان آمده و جزء دوستان خیلی نزدیک و هواداران جیمی کارتر به شمار می آمدند, جیمی کارتر را قانع کردند که حالا زمان آنهاست تا ثروتمند شوند و از او خواستند تا با شاه تماس گرفته و ترتیبی دهد که شاه یک قرارداد عظیم را که مربوط به پروژه ساخت یک بندرگاه بزرگ در جنوب ایران بود لغو نماید. این قرارداد به یک شرکت سازنده ی پیشگام و مشهور در آمریکا به نام **Brown and Root** داده شده بود. سپس از شاه خواسته شد تا با افزودن 10 درصد به ارزش قرارداد, یک قرارداد جدید با شرکتی که متعلق به دوستان جیمی کارتر بود امضاء نماید تا در این صورت دوستان جیمی کارتر بتوانند قراردادی با **Brown and Root** { همان شرکت قبلی} با همان مبلغ قبلی منعقد نمایند, و آن 10 درصد را به جیب بزنند, و البته به طور وضوح با بازگرداندن مبلغی به جیمی کارتر و یا برادر او بیلی کارتر.

8- به هر طریق شاه این ترتیبات را نپذیرفت و از لغو قرارداد **Brown and Root** سر باز زد, نتیجه اینکه جیمی کارتر با احساس دست ردی که به سینه اش خورده بود, با خود فکر کرد که از آنجا که وی ریاست جمهور یک ابر قدرت است, سزاوار نوعی مشارکت هم هست. از همان زمان جیمی کارتر دلایل کافی و شخصی خود را برای آغاز مبارزات حقوق بشری بر علیه شاه, داشت. این نمایشگر یک ضعف کاملا شناخته شده بشری است. "طمع مطلق" که از همانجا مبارزات حقوق بشری جیمی کارتر علیه شاه ایران با تمام حمایت های لازم کاخ سفید, رهبری شد.

9- در آن سوی اقیانوس اطلس, حکومت انگلستان با استفاده از سرویس های جاسوسی **MI5** و **MI6** خود و از طریق شبکه ای از جاسوسانش, از ناکامی تلاش های جیمی کارتر در اخذی برای یاران جورجیایی اش مطلع شده و دریافتند که آنها یاری جدی در ریاست جمهوری آمریکا دارند, و حکومت انگلستان (کارکنان **MI5, MI6** و کارکنان کشوری **White Hall**) طرحی را در انداختند که بر اساس آن می توانستند از منابع موجود در آمریکا و هم چنین دارایی های خویش استفاده کنند, و به این ترتیب به نوکران دستار بند و دزد و جنایتکار خود در ایران گفتند از آنجا که آنها بسیار از قدرت حکومتی کنار نهاده شده اند, آنها مجبورند به چاره جویی های حکومت انگلستان اعتماد نمایند و اگر حکومت انگلستان (کارکنان **MI5, MI6** و کارکنان کشوری **White Hall**) در خلع کردن شاه پیروز شود, پس از آن هرگونه پیشرفت و درآمد حاصل از فروش منابع نفتی ایران بایستی به حکومت انگلستان پرداخت شود. سپس روحانیون یا ملاها که همه چیز برای بهره وری در اختیار داشتند و چیزی نداشتند که از دست بدهند, با این نظریه موافقت کردند. از دیگر متحدان این توطئه ی انگلیسی نزدیکترین دوست آمریکایی شاه ایران "دیوید راکفلر" شرکت **Exxon** بود, که شورش ایران را به بهای یک میلیارد دلار کمک مالی حمایت کرد و سپس شرکت **Exxon** و ی توانست در دوران پس از انقلاب ایران روزانه 300.000 بشکه نفت خام ایران را با تخفیف های قابل توجه خریداری نماید, که به هر حال بعدا بر خلاف قوانین صادره در آمریکا بود.

10 - باقی رویدادها به صورت مکفی مستند سازی شده، مگر آنکه چون شرکت های آمریکایی دیگر قادر نبودند به صورت روباز با ایرانیان سر و کار داشته باشند، لذا **MI5** انگلستان، که در به روی کار آوردن و به قدرت رساندن مشتکی جنایتکار و دزد عمامه به سر زیر عنوان تبلیغاتی و دهان پر کن انقلابیون اسلامی (مخلوق **MI5** و **MI6**) نقشی اساسی داشت، به ملایان حکم کرد که تب ضد آمریکایی را زنده نگه دارند، و اگر آنها فکر کنند که کاری بر خلاف این انجام دهند، بعدا ناچار هستند با خشم و غضب آمریکایی ها و هم چنین مردم ایران اگر و در زمانی که به قدرت بازگردند، رو به رو شوند. ایجاد مدارس اسلامی یا مدارس در کشورهای همسایه و/یا سایر کشورها مثل پاکستان و ترکیه بخشی از همان طرح بود تا منجر به تغییرات شده و یا در امور سیاسی این کشورها نفوذ نماید و موجب کاهش یا حذف دسترسی حکومت آمریکا و شرکت های آمریکایی در این قسمت از جهان شود و بالنتیجه محیطی فراهم آید که صاحب یک پاسپورت آمریکایی نتواند از امنیت مسافرت برخوردار باشد.

11- معذک، شایان توجه است که آن گروه از شرکت های آمریکایی که توانسته اند ترتیبات لازم را به کار گیرند، هنوز هم می توانند با استفاده از پاسپورت کانادایی در پروژه های گوناگون در ایران کار کنند. این طرح انگلیسی موثر بوده است، و از آنجا که آنها با سرقت درآمدهای نفتی ایران بسیار ثروتمند شده اند، که تخمین میزان آن سر به میلیاردها دلار می زند، در نتیجه دیگر نیازی به استقراض پول ندارند و قادر بوده اند که تمامی زیر ساخت عمومی انگلستان را نوسازی کنند. هم چنین این تزریق ناگهانی ثروت موجب فشار به افزایش بهای املاک تا سطوحی بالا شده و افزایشی بیش از 500% را از سال 1979، زمان سقوط شاه ایران، تا به حال، در سراسر انگلستان شامل انگلستان شمالی، در پی داشته است. به طور وضوح، آنها هیچ چیزی را اختراع نکرده اند که این چنین ثروتمند شوند، چز آن که در کارهایی که انجام می دهند، یعنی سرقت پول و ثروت سایر مردم، بسیار خوب عمل کرده اند.

12- از دیدگاه کارکنان کشوری انگلستان در **White Hall** آنها هزینه می کنند تا ثروت سایر کشورها و پول سایر مردمان را برابند. انگلیسی ها دارای تاریخچه ای طولانی مدت و قابل تشخیص در این هستند که یا با دزدان دریایی در دریاها شریک شده و آنها را مثل کاپیتان دریکی به لقب شوالیه مفتخر نمایند و یا ثروت سایر کشورها را با دستاویز بازار مشترک سرقت نمایند.

13- هیچ کس نباید ازین موضوع غافل شود که با هر دلیلی، دستیابی حکومت انگلستان (کارکنان کشوری **WH**) به این ثروت نفتی ایرانی ها، که با هر و با تمام برداشت ها از قوانین بین المللی همه روزه از طریق راههای غیر قانونی دزدیده می شود، فقط یک مفهوم عام دارد که هر کسی باید تشخیص دهد که حکومت انگلستان تمام قدرت خود را به کار خواهد بست تا از هر و تمام چیزهایی که ممکن است این ترتیبات را برهم زند، جلوگیری کند. در وقاع؛ براساس رویدادهای اخیر مشهود است که آنها می خواهند این ترتیبات را به عراق نیز توسعه دهند، جایی که آنها دارند با دارایی های آمریکا (تمام ارتش آمریکا) کار می کنند، اما نتیجه نهایی در چند سال آینده چیزی شبیه حکومت دستار بندهای دزد و جنایتکار ایران خواهد بود، و درآمدهای نفتی ایران و هم چنین عراق به حساب های تحت کنترل حکومت بریتانیا در لندن یا هر جای دیگری که کارکنان کشوری **WH**

انگلستان ممکن است آن را به عنوان انعامی که به دست آورده و یا استحقاقش را داشته ند ارجاع دهند، واریز خواهد شد، و ممکن است که آنها حتی سهمی را نیز به متحدان یا همکاران خودشان که در موقعیت های گوناگون قدرت در ادارات آمریکایی، شامل و نه فقط محدود به کنگره آمریکا، رسانه های گروهی آمریکا، نویسندگان ستون های سیاسی، یا قلم های آماده فروش و جز آن کار می کنند، پرداخت نمایند.

14- شایان توجه است که دفاتر فروش شرکت ملی نفت ایران از زمان وقایع سال 1979 در لندن قرار دارد و فرایند حاصل از فروش نفت ایرانیان از همانجا به حساب های گوناگونی وباریز می شود که توسط حکومت انگلستان مشخص شده و از آن همانند یک منبع پول باد آورده استفاده می شود.

15- بنابراین تنها راه جلوگیری از توسعه تروریسم عبارتست از توقف این دزدی ها و ترتیبات مالی میان سارقان لندنی و نوکران آنها در تهران و سپردن این اموال به یک حساب قابل اعتماد که بتواند به وسیله حکومت ذیحق ایران پس از آن که یک انتخابات آزاد صورت پذیرفت، مورد استفاده قرار گیرد.

16- حالا به نظر می رسد که زمانی پس از واقعه 11 سپتامبر، ایالات متحده آمریکا در رابطه با روابط مزورانه ی حکومت بریتانیا با عمامه پوش های دزد جنایتکار در تهران رویاروی شده و می خواهد در مورد ترتیبات مالی میان آنان و این که حکومت بریتانیا چه مقدار پول می سازد، بیشتر بداند. گرچه همواره آنها به دروغ گفته اند که فقط 50% می گیرند، حال آن که رقم واقعی 100% درآمد نفتی ایران و هم چنین تامین مالی خریدها و LC هایی است که توسط شرکت ملی نفت ایران با سود 20% از طریق بانک های مشهور در لندن صادر می شود.

17- مردم باید ببینند که راهی که حکومت انگلستان از طریق سرویس های جاسوسی اش برای تنظیم یک چنین ترتیباتی طی کرده، به قدری ارزشمند است که آنها حاضرند در ثابیه ای و با خوشحالی حتی حکومت و یا نخست وزیر خودشان را نیز قربانی کنند تا اینکه این ترتیبات دزدی پول سایر مردم یا همان گونه که آنها احساس می کنند " این پول های بادآورده" را حفظ نمایند، و اجازه دهند که این وضع تا هرچه طولانی تر ادامه یابد. با آگاهی از این که حکومت انگلستان بزرگترین محفل را در ایالات متحده دارد، آنها قادر هستند در انتخابات آمریکا نفوذ کرده و اگر نیاز باشد، پرزیدنت بوش را در انتخابات سال 2004 شکست دهند. در حال حاضر با استفاده از ابزار سازمان ملل متحد برای ترتیب دادن انتخاباتی آزاد در عراق، و سپس از طریق تعداد شیعیان عراق و هم چنین نفوذ قاطعانه اکثریت شیعه، یک حکومت، که بسیار هم همسوی اکثریت مذهبیون است و دارای روابطی نزدیک و خردمندانه با حکومت بریتانیاست به قدرت خواهد رسید. به سبب رویدادهای گذشته و بر خلاف منظور اولیه، آمریکا به عنوان یکی از منفور ترین ملت ها تبلیغ خواهد شد که این نتیجه ی عملیات پشت صحنه کسانی است که خود را پایدارترین متحد آمریکا نشان داده اند، اما در حال حاضر آن را از پشت خنجر زده اند.

18- این یک حقیقت مشهود است که پس از سال 1979، بسیاری از برنامه های تلویزیونی بریتانیا به گونه ای به سقوط شاه اشاره می کردند که گویی ایالات متحده آمریکا از ایران بیرون انداخته شده و بریتانیایی ها هم انتقام شکست خود را در سال 1953، یعنی زمانی که مصدق نفت ایران را ملی کرد و بریتانیایی ها را از ایران بیرون انداخت، گرفته اند.

19 - در واقع، اجازه دهید که برای لحظه ای فرض کنیم که تمام فرازهای بالا حقیقت دارند و خودمان را در جای تمهیدان پیوسته ی MI5، یعنی ابزار WH و حکومت انگلستان قرار دهیم. ما چه کاری انجام خواهیم داد؟ چه عملیات تحریک آمیزی بایستی انجام دهیم که از نظر مالی برای حکومت بریتانیا سودمند باشد و چه در کوتاه مدت و چه در زمانی طولانی تر موجب امنیت یک تشکیلات اقتصادی جنایتکار که تحت حمایت حکومت بریتانیا پدید آمده است، گردد؟ ما هرچه ممکن است خود را میان کسانی مثل عمامه به سرهای جنایتکار و دزد مقیم تهران که به تامین منافع ما خدمت می کنند و کسانی که هیچ چیزی را بیش از خلاصی از دست این حیوانات دوست ندارند، حایل خواهیم کرد. به این ترتیب کاملا واضح است که کارکنان کشوری در WH و کارکنان MI5 انواع سلاح ها را از طریق اشخاص ثالث برای نوکران خود فراهم آورده و این رفقای شفیق خود را برای دست درازی کردن و توسعه ی دایره نفوذ خویش و بالمآل کره ی نفوذی بریتانیا تشویق خواهند کرد.

20- انتخاب اخلاقی اینک در دست های مردم آمریکاست: کسانی که به اعتقاد برخی از مردم بریتانیا هنوز هم در مستعمره ای زندگی می کنند که سند استقلال آن هرگز توسط پادشاهی بریتانیا امضاء نشده است.

21- به اعتقاد ما پدران و مادران سربازان آمریکایی بایستی از تمامی این تصویر آگاهی داشته باشند و بدانند که چرا پسران و دختران آنها در خاورمیانه علیه تروریسم می جنگند و چه کسانی اربابان واقعی هستند و از این ترورها که تمامی ما شاهدش هستیم بهره مند می شوند.

22- ممکن است نیاز باشد که ایالات متحده قدرت خود را علیه کارکنان کشوری در WH و عوامل MI5 و MI6 به کار بندد تا از هرگونه تعدیل دیگر در جنگ علیه تروریسم جلوگیری نماید. حکومت انگلستان تنها مرجعی است که می تواند به مزدوران خود، عمامه به سرهای دزد و جنایتکار، بگوید که آنها ناچارند تا صندلی های قدرت را در تهران ترک گفته و حمایت از گروه های تروریستی را متوقف سازند. در غیر این صورت، عراق میدان جنگی خواهد شد که تعدادی بسیار از مردمی که شستشوی مغزی داده شده اند در آن هلاک خواهند شد و جهان با ناپایداری هایی بیشتر مواجه خواهد گردید و مجددا تنها گروهی که از نظر مالی از این وضعیت بهره مند خواهد شد حکومت تن پرور انگلستان خواهد بود که به سبب ماهیت ژنیتیکی خود همواره در پی یافتن ملجائی برای سرقت به جای کار کردن به منظور کامیابی های نسبی اقتصادی است.

23- برای همگان، نسبتا آسان است که موارد بالا را از طریق یک فرایند پژوهشی تایید کرده تا آگاه شوند که اربابان حقیقی ترور کسانی هستند که در پشت میزهای WH نشسته اند و هم چنین عوامل MI5 و MI6 که بدون هرگونه وسواسی از انجام هرکاری و از جمله دروغ گویی و خدعه دریغ نمی کنند.

24 - پس از سقوط طالبان و در مراحل آغازین جنگ در افغانستان، گزارشی در یک روزنامه شرح می‌داد که چگونه نیروهای بریتانیایی توان یافتن فردی از طالبان یا القاعده را ندارند و فقط می‌توانند در قهوه‌خانه‌ها بنشینند، در حالی که نیروهای ارتش آمریکا ناچارند به هنگام حرکت در خیابان‌ها از پشت مراقب یکدیگر باشند، زیرا ممکن است در معرض آتش گلوله قرار گیرند. سپس بعد از اعزام نیروهای بریتانیایی به کشورشان تنها درک موجود این خواهد بود که بریتانیایی‌ها دوستان واقعی و آمریکایی‌ها دشمنان حقیقی هستند.

25 برای کنگره آمریکا کاری به نسبت آسان است که بخواهد یک مأموریت حقیقت‌یابی را آغاز نماید تا بتواند در این مورد که حکومت بریتانیا این منابع مالی را از کجا دریافت می‌کند تحقیق نماید و موقعیت آنها را به عنوان اربابان واقعی تروریسم در جهان دریابد.

26- به جهت مقادیر قابل توجه میدان‌های نفت و گاز در هر دو کشور عراق و ایران، آوردن دموکراسی به هر دو کشور عراق و ایران حایز اهمیت است و بایستی به آنها اجازه داده شود که هر دو کشور به صورت آزادانه شکوفا شده و از مزایای صنعتی شدن بهره‌مند گردند، و اجازه داده نشود که سود شرکت‌های بین‌المللی نفت و انرژی با مقاطع صنعتی شدن این کشورها جایگزین شود.

27 - حکومت بریتانیا با مستمسک حمایت از آزادیخواهی افراطیون سیاسی را در انگلستان جای داده است. توطئه ترور احمد شاه مسعود در انگلستان طراحی شد و سیستم حکومتی بریتانیا با تایید مشروعیت گزارشگران روزنامه و اعضای گروه فیلمبرداری هر دو ترور را امکان‌پذیر ساخت. لطفاً آگاه باشید که حاشا کردن سلاحی دیگر است و همانند آن است که یک دروغگو و یا سارق را دستگیر کنید و از او انتظار پاسخگویی و بیان صداقت داشته باشید.

28 - اجازه دهید فرض کنیم که نبرد میان نیکی و تباهی در جریان است، بسیار خوب ما می‌دانیم که چه کسی در جناح تباهی است، شاید ارباب بزرگ شیطان. اما انتظار نداشته باشید که کسی برخاسته و خود را چنین معرفی کند. مشکلی که در رابطه با اساس حکومتی بریتانیا وجود دارد بسیار عمیق و شاید هم ژنتیکی است. اگر کسی به نوار ویدیویی اخیر سفیر بریتانیا در سازمان ملل و در همان رابطه تونی بلیر نگاه کرده باشد، می‌تواند مزه‌ی ثروتی را که همه روزه به حساب‌های گوناگون بانکی آنها واریز می‌شود، ببیند.

29 - به منظور مطلع ساختن ناآگاهان, یکی از نتایج این سرقت کارکنان کشوری انگلستان, رویداد بزرگترین حماسه تاریخ یعنی ترک میهن نزدیک به 4.5 میلیون ایرانی بوده است, که جایگاه واقعی انگلستان و ملاها را به خادمان جدا اعلای آنان شیطان, نزدیک می سازد.

راه حل پیشنهادی

به توسل به هر جادویی لازم است که این قرارهای میان کارکنان کشوری WH تا آخرین حلقه زنجیر یعنی تونی بلیر و رفقای مشفق آنها یعنی دستاربندهای دزد جنایتکار مقیم تهران پایان یابد.

واضح است که در یک جامعه ی سرمایه داری هرکسی برای شکوفایی به امنیت نیاز دارد, اما برای دزدها و جنایتکارها هرچه بیشتر هرج و مرج باشد بهتر است, آنها در نا امنی و بی عدالتی بیشتر کامیاب میشوند و ممکن است خداوند به روح آنها رحمت نفرستد زیرا آنها شیطان های حقیقی هستند.

مقصود این مقاله در این مقطع زمانی آن است که نورافکنی را بر تاریکخانه شیطان بتاباند تا نیروهای نورانی در نبرد علیه نیروهای تاریکی که از سال 1979 به بعد ویرانی را به جهان ما عرضه داشته اند, پیروز شوند. اجازه دهید خورشید بدرخشد.

با رحمت الهی

مستعان